

حق آموزش و تربیت کودکان در قوانین ایران با تأکید بر قانون اساسی

فاطمه سادات حسینی^۱، زهرا زنده^۲

چکیده

ساختار حقوقی مهمترین نمود هر جامعه در رابطه با وضعیت کودکان همان جامعه است. تعلیم و تربیت کودک به دلیل تاثیرپذیری و انعطاف‌پذیری شخصیت او اهمیت بسزایی دارد و در تمام جوامع، فرهنگ‌ها و مذاهب توصیه شده است؛ زیرا تربیت از ارکان مهم سعادت بشر است که خانواده در آن نقش بسیاری ایفا می‌کند. مقاله حاضر با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای باروش تحلیلی-توصیفی نوشته شده است و حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک براساس نظام حقوقی ایران، جایگاه تربیت، زمان آغاز تربیت، میزان آزادی والدین در انتخاب شیوه‌های تربیت کودک، حق استفاده از تنبیه و تأدیب کودک در امر تربیت را بررسی می‌کند. بررسی حقوق ایران نشان می‌دهد که تربیت کودک به طور صریح بعد از تولد او آغاز می‌شود. تأمین امکانات مربوط به نگهداری و تحصیلات اجباری، حق ملاقات و تنبیه کودک و اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان از حقوق و تکالیف والدین در این زمینه از منظر حقوق ایران است.

واژگان کلیدی: کودک، تربیت، آموزش، حق.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف و حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

بحث‌های مربوط به تربیت و آموزش کودکان از دیرباز مطرح بوده است. روش‌های تربیتی کودک در جوامع مختلف و زمان‌های متفاوت تنوع بسیاری داشته است. دیدگاه هر فرهنگ تاحدودی سمت‌وسودهنده تربیت کودکان در آن فرهنگ است. در دهه‌های اخیر مسئله تربیت کودکان بیشتر مطرح شده است و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری تألیف شده است. از جمله کتاب آیین تربیت از ابراهیم امینی، کتاب علیه تربیت فرزند از آلیسون کوپینگ، کتاب صد نکته تربیتی درباره کودک از محمد مجدیان و کتاب کودک عاشق نوشته حمیده شیخی. اهمیت بررسی و مطالعه اقدامات حقوقی در عرصه کودکان از این نظر است که ساختار حقوقی مهمترین نمود هر جامعه در رابطه با وضعیت کودکان همان جامعه است. بنابراین، وقتی ساختار حقوقی یک جامعه، مبهم، ناشناخته، نامنسجم و حداقلی و یا جدا از بستر و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی همان جامعه در طول تاریخ باشد بیانگر وضعیت نامناسب کودکان در آن جامعه است.

در نظام حقوقی ایران تربیت کودک اهمیت ویژه‌ای دارد، اما محیط اجتماع برای تربیت کودک محیط مناسبی نیست و دولت هیچ‌گاه پرستار شایسته‌ای برای وی نبوده است. نیازهای کودک در خانواده بهتر از هر جای دیگر تأمین می‌شود. خلأهای قانونی در این مورد و آسیب‌های اجتماعی کودکان ضرورت بررسی موضوع را در ارتباط با نظام حقوقی ایران دارد تا با بررسی حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک از او حمایت کند. تربیت فرآیندی مستمر و پیوسته است برای تزکیه و تهذیب فرد یا افراد و پرورش استعدادها برای رسیدن به هدف‌هایی که این کمال در جهان بینی و مکتب کنونی همان قرب الهی است. عوامل تربیت هرکدام اهداف مورد نظر خود را دنبال می‌کنند که متناسب با علایق و نگرش‌های آنها متفاوت است و کارهای آنها ممکن است به منظور تربیت پاک کودکان، مفید واقع شدن آنها برای جامعه، خیر دنیا و آخرت خود و آنها صورت می‌گیرد. کودک بعد از تولد مانند موم نرمی است

که می‌توان آن را به هرشکلی درآورد؛ یعنی هم می‌توان او را طوری تربیت کرد که به خلیفه‌الله در روی زمین تبدیل شود و هم می‌توان به‌وسیله تربیت بد او را پست‌تر از حیوان بارآورد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. کودک

کودک در لغت به معنای کوچک، صغیر، فرزندى که در حد بلوغ نرسیده، است. (حسینی دشتی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۷؛ معین، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲) در قانون مدنی ایران تعریفی از کودک ارائه نشده است، ولی در اصطلاح حقوقی به پیروی از فقه، کودک به کسی می‌گویند که از نظر سن به بلوغ جسمانی و دماغی لازم برای زندگی اجتماعی و خانوادگی نرسیده باشد. ملاک اصلی برای تعیین دوره کودکی، سن شخص است که براساس نظر مشهور فقها و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای پسران تا ۱۵ سالگی و برای دختران تا ۹ سالگی ادامه دارد. هرچند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درکنار پذیرش سن ۱۸ سالگی برای سن کودک و نوجوان تقسیم‌بندی دیگری نیز دارد به طوری که دوره کودکی و نوجوانی را به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۸ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است. از طرف دیگر قوانین حقوقی و سیاسی ایران، پایان سن کودکی گوناگون بیان شده است.

۲-۲. تربیت

تربیت به معنای پروردن و پروراندن و آداب اجتماعی و اخلاق را به کسی آموختن و به‌طورکلی پرورش روحی و جسمی کودک است. (عطایی، ۱۳۸۴، ص ۸۹؛ عبادی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲) نکته مهم در تربیت، آماده‌سازی طفل برای زندگی اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۶۷۶). در اصطلاح، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به‌کمال رساندن تدریجی و مداوم اوست. تربیت شامل به‌فعلیت رساندن استعدادها، به‌کمال رساندن فرد مستعد کمال و مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است (محمدنویسی، ۱۳۹۲، ص ۳۲). تربیت در اصطلاح حقوقی به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال است (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

۲-۳. حق آموزش

آموزش در لغت به معنای عمل آموختن تعلیم است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۹۲) آموزش به هرگونه فعالیت یا تدبیر ازپیش طراحی شده‌ای می‌گویند که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۴۰۲، ص ۱۵). حق آموزش را همگان دارند.

۲-۴. حق

حق یعنی، قدرت سلطه اقتدار و مجموعه قواعدی است که توسط مؤسسات اجتماعی یا دولتی برای تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود. (فتاحی، ۱۳۹۴، ص ۲۸)

۳. جایگاه تربیت

انسان‌ها برای تحقق زندگی سعادت‌مند و همراه آسایش و آرامش و به‌دور از عوامل آسیب‌زا به طراحی نهادهای گوناگونی متوسل می‌شوند که هر یک از آنها پایه‌ای لازم از بنای اجتماع انسانی را تشکیل می‌دهند. نقش تربیت در دستیابی آگاهانه و آزادانه انسان به هستی متعالی و جاودانه، مقام و جایگاه آن را تا بنیاد اجتماع بالا می‌برد و آن را به‌مشابه فلسفه وجودی دیگر نهادهای اجتماعی جلوه‌گر می‌کند. از نظر اجتماعی، تمام نهادهای اجتماع برای تداوم و فراهم کردن لوازم و زمینه‌های حیات طیبه انسان به فرایند تربیت نیازمندند؛ زیرا این فرایند با گسترش و تعالی مداوم ظرفیت‌های وجودی افراد و اعتلای تجارب متراکم اجتماعی و با ایجاد آمادگی در افراد جامعه برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، نقش اصلی را در تعالی بخشیدن به کیفیت حیات فردی و اجتماعی برعهده دارد. تربیت، محور اساسی ارتقای حیات انسان است. مصالح تربیتی باید در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی تأکید شود. کمک به فرایند تربیت، مهمترین معیار در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اولویت‌های اجتماعی است. (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵)

۴. مراقبت‌های دوران جنینی

در قوانین ایران، تکالیفی برای والدین در مراقبت‌های دوران جنینی که بر رفتار و خلق و خوی فرزند در آینده اثرگذار باشد به دست نمی‌آید. نبودن چنین قوانینی به معنای تکلیف نداشتن والدین نیست؛ زیرا باتوجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی در این زمینه باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کرد. در شریعت اسلام، تربیت کودکی که در آینده به وجود می‌آید مورد توجه قرار گرفته و مسئولیت‌هایی برای افرادی که قصد تشکیل خانواده و ایجاد نسل دارند بیان شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید» (اخلاقی، ۱۳۸۹، ص ۵۷). رعایت اخلاق مباشرتی و توجه به تغذیه مادر پس از انعقاد نطفه در ایجاد زمینه‌های تربیت فرزند نیز به اندازه‌گزینهش همسر مهم است. درباره آداب آمیزش و تأثیر آن بر روان و جسم فرزند دستورهایی آمده است. رعایت نکردن بسیاری از آداب تربیتی پیشوایان دین در هنگام آمیزش، موجب نارسایی‌های جسمی، روحی، معنوی و عقلی در کودک می‌شود. به‌دلیل تأثیر نوع تغذیه مادر در این دوران بر تربیت کودک، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبدأ سعادت و شقاوت بشر را در رحم مادر معرفی کرده و می‌فرماید: «بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت شده و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت شده است». مسئله تغذیه و تأثیر آن بر تربیت کودک تنها منحصر به مادر کودک نیست و به پدر نیز تسری پیدا می‌کند؛ زیرا لقمه ناپاک و حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کرده از راه آمیزش به جنین انتقال می‌یابد. بنابراین، پدر نقش اول را ایفا می‌کند. در مرحله دوم، مادر باید مراقبت‌های ویژه از جنین داشته باشد (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

۵. مراقبت و حضانت فرزند

حضانت، نگهداری و تربیت طفل به‌گونه‌ای است که صحت جسمانی، روحی، روانی و تربیت وی باتوجه به نیازهای او تأمین شود. بنابراین، مفاد مواد ۱۱۷۳، ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ قانون دولتی و سایر مقررات حمایت از خانواده، حق مراقبت در وضع زندگی و محیط زیست و رشد کودک را به والدین

داده‌اند. (صفایی، ۱۳۷۸، ص ۹۰) در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی درباره مسئولیت والدین بر حضانت کودک آمده است: «نگهداری از اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». بنابراین، ابوبین باید با همکاری یکدیگر از عهده وظیفه برآیند و اگر به هر دلیل جدا از یکدیگر زندگی کنند حضانت در هفت سال اول زندگی طفل از دختر یا پسر با مادر است و بعد از آن، پدر عهده‌دار حضانت است، ولی در صورت حدوث اختلاف با رعایت مصلحت طفل، دادگاه، حضانت را به پدر یا مادر طفل واگذار می‌کند (قانون مدنی، ماده ۱۱۶۹، اصلاحی ۱۳۸۲/۹/۸). در ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده نیز حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده به مادر داده شده است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد. در مواد ۴۰، ۴۱ و ۴۵ نیز ضمانت اجرای حضانت مشخص شده است.

براساس ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی چنانچه سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در خطر باشد محکمه می‌تواند بنا به تقاضای اقربای طفل یا قیم و یا رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای نگهداری طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. براساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد». قانون‌گذار در این ماده به طور ضمنی به این حق والدین اذعان کرده است.

۶. تأمین امکانات تحصیل فرزند

مسئله سواد و تحصیلات کودکان از مهمترین مسائل جامعه بشری است. اهمیت این موضوع از این روست که بی سواد و حتی کم سواد، ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. امروزه نقش علم و آگاهی از توسعه فنی، تکنولوژی، اقتصادی و اجتماعی جوامع به خوبی نمایان است. مقدمه کسب دانش و آگاهی نیز سوادآموزی و توانایی استفاده از زبان مکتوب جامعه است تا فرد از این راه با افکار و اندیشه‌ها، دانش و فنون، فلسفه و عقاید دیگران آشنا شود و آگاهی‌های خود را در زمینه‌های مختلف به دیگران انتقال دهد. اطفال بدون آموزش و پرورش نمی‌توانند در بزرگسالی به طور مفید، کار انجام دهند، مراقب تندرستی

خود باشند، از خود و خانواده‌هایشان حفاظت کنند یا زندگی فرهنگی غنی و پرمایه‌ای را بگذرانند. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳) برخورداری از تحصیل و آموزش، یکی از حقوق اساسی کودکان است و تدارک امکانات آموزشی و تربیتی اطفال وظیفه‌ای برعهده والدین است.

در حقوق ایران، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) در هر محل و موجبات فراهم شدن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است وجود دارد. پدر یا مادری که وظیفه نگهداری و تربیت کودک برعهده اوست وظیفه دارد درباره ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک خود اقدام کند و اگر از انجام این وظیفه خودداری کند وزارت آموزش و پرورش بر مبنای آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال نسبت به ثبت نام کودک واجد شرایط تحصیل اقدام می‌کند. ماده ۳ آن نیز حمایت از حق آموزش در مراحل بالاتر از مقطع راهنمایی را وظیفه والدین می‌داند و ماده ۴ به ضمانت اجرای آن اشاره می‌کند. در حال حاضر، بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) چنانچه والدین با وجود وظیفه و تکلیف قانونی خود، با اراده و تمایل موجب عدم تدارک امکانات تحصیل و آموزش فرزندان خود شوند به استناد ماده ۴ این قانون مسئولند و به مجازات مقرر محکوم می‌شوند. مضاف بر اینکه عدم تأمین وسایل و امکانات تحصیل برای اطفال و نوجوانان توسط والدین آنها در صورت منجر شدن به محکومیت قضایی ممکن است بر اساس ماده ۱۶ قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲) محرومیت از حق قیومیت، نظارت یا اعمال حق ولایت را نیز در پی داشته باشد، ولی این قوانین در عمل متروک مانده است. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳)

۷. حق تنبیه برای والدین

ادب و تأدیب دو اصطلاح همگون و هم خانواده که یکی به معنی تربیت کردن و دیگری به معنی تنبیه کردن است. ادب، نشان دادن راه و اصول صحیح زندگی است و یاد دادن شیوه رفتار با خود و دیگران. تأدیب به دو صورت امکان دارد تا وقتی که کودک از مسیر صحیح و راه درست زندگی منحرف شد او را بازگرداند و از ادامه راه نادرست بازدارد. یکی اینکه زشتی انحراف را به او

نشان دهند و دیگر اینکه با مقداری تنبیه بدنی که باعث صدمه دیدن نشود او را تأدیب کنند. (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۸، ص ۵۵). از آنجاکه فقه امامیه منشأ حقوق و قوانین داخلی است بررسی موضوع تنبیه در فقه امامیه ضروری است.

۷-۱. تنبیه از منظر فقه امامیه

۷-۱-۱. مقتضای اصل اولیه

مقتضای اصل اولیه، حرمت تنبیه کودک است؛ زیرا تنبیه مصداق آزار و اذیت است و اذیت ظلم است و ظلم حرام است. شکی نیست که زدن کودک غیرممیز از مصادیق ظلم است و از نظر عقلی جایز نیست، خواه تنبیه‌کننده پدر باشد یا دیگری. تنبیه کودک ممیز اگر برای تشفی دل و خاموش کردن آتش غضب باشد، جایز نیست، اما اگر برای تأدیب باشد ظاهر امر، جواز تنبیه است؛ زیرا یکی از وظایف والدین، تربیت و تأدیب فرزندان است. زدن کودک برای رسیدن به اهداف والا نه تنها ظلم در حق او نیست، بلکه احسان و موجب رستگاری در دنیا و آخرت می‌شود. (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۲)

۷-۱-۲. مقتضای ادله شرعیه

بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی روایات دلالت بر منع تنبیه بدنی دارند مانند این روایت: «مردی از اصحاب امام کاظم علیه السلام نزد ایشان آمد و از سوء اخلاق فرزندش شکایت کرد. امام علیه السلام فرمود: او را نزن، با او قهر کن و قهر را طولانی نکن». روایاتی که دلالت بر مقدار ضرب کودک دارند (مجلسی، ۱۴۴۰، ص ۹۹) به دلالت التزامی، جواز ضرب کودک را می‌رسانند و این جواز در رأی فقهای بسیار دیده می‌شود (صمیری، ۱۴۲۰، ۳۳۵/۲؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۲، ۴۵۴/۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۵۹/۱۶). جمع عرضی آنها بنا بر اصل منع تنبیه و اکتفا کردن به موارد ضروری تنبیه گذاشتند و نتیجه نهایی آن، جواز تنبیه بدنی در مراحل ثانویه با محدودیت مقدار ضرب توسط ولی کودک است (حلی (محقق)، ۱۳۸۵، ص ۳۷۶).

از آنجا که مقتضای قاعده اولیه، حرمت تنبیه است در تمام موارد خارج از محدوده مشخص شده در روایات، حکم تنبیه بدنی کودک حرمت دارد و تخطی از قیود مندرج در روایات وجه شرعی ندارد. این قیود را که محدوده و گستره تنبیه بدنی کودک توسط والدین است، می توان ذیل چهار قید دسته بندی کرد که قید اول مربوط به نوع خطای کودک، قید دوم مرتبط با سن کودک، قید سوم مرتبط با شدت تنبیه و قید چهارم مرتبط با انگیزه تنبیه است.

قیدهای اول و دوم (محدودیت تنبیه از نظر نوع خطا و سن کودک بنابر روایات، صلاحیت والدین در ضرب اولاد تنها در موارد استتکاف از خواندن نماز در سن هفت، هشت یا ده سالگی است. چنین تنبیهی برای کودکان کمتر از هفت سال به هیچ وجه تجویز نشده است و والدین در موارد دیگر حق تنبیه بدنی فرزندان خود را ندارند. قید سوم) محدودیت تنبیه از نظر شدت تنبیه

با مراجعه به روایات مندرج در کتاب دیات معلوم می شود که برای همه آسیب های بدنی میزان خاصی از دیه تعیین شده است، حتی برای سرخ شدن، سیاه شدن و کبود شدن بدن. در این موارد مهمترین روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است و براساس آن، قانون مجازات اسلامی در ماده ۷۱۴ مقرر می دارد که دیه صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می شود به شرح زیر است:

الف) سیاه شدن پوست صورت، شش هزارم، کبود شدن آن، سه هزارم و سرخ شدن، یک و نیم هزارم دیه کامل؛

ب) تغییر رنگ پوست سایر اعضا حسب مورد، نصف مقادیر مذکور در بند الف. پس رفتارهای عمدی والدین در آسیب رساندن به فرزندان در حد سرخ، کبود یا سیاه شدن بدن فرزند از نظر شرعی، حرام است.

به همین دلیل شارع مقدس برای این امر ضمانت اجرای مالی تعیین کرده است. اگر این امر جایز و مباح بود تعیین ضمانت اجرا برای امری جایز معنا نداشت.

قید چهارم) محدودیت تنبیه از نظر انگیزه تنبیه کننده

در این مورد روایتی از پیامبر ﷺ در کتب مختلف روایی نقل شده است: «نهی رسول الله ﷺ عن الابد حین الغضب؛ پیامبر ﷺ افراد را از ادب کردن و تأدیب سایرین در هنگام غضب بر حذر داشت». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۶۰/۷) این روایت توانایی آن را دارد با ایجاد نهی بر والدین، تأدیب فرزندان در هنگام غضب و برای فرونشاندن عصبانیت با منع شرعی و قانونی مواجه کند.

۷-۲. تنبیه بدنی از منظر قوانین داخلی

در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی آمده است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه کنند». در ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۹/۷) و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب (۱۳۱۴/۱/۱۹) از شمول این قانون مستثنی شده است. در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) آمده است: «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود مشروط بر این است که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد». در تنبیه و تأدیب جایی برای خشونت و اذیت و آزار روحی و جسمی نیست. اگر والدین پس از پند و نصیحت و بر حذر داشتن و ترغیب کردن، تأدیب فرزند خود را در تنبیه بدنی او بیابند و به استناد این ماده از قانون مدنی دست به این تنبیه بزنند، لازم است تنبیه با رعایت سه شرط مذکور در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی صورت گیرد (وکیلان، ۱۳۸۰، ص ۲۰). با هر نوع تنبیهی که باعث آسیب جسمانی کودک شود دیه ثابت می‌شود. در مورد خشونت روحی، قانون خاصی وجود ندارد و احراز آن چندان ساده نیست (مصفا و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). تنبیهی که از مصادیق خشونت باشد از موانع اجرای حق سرپرستی والدین است (قانون مدنی، ماده ۱۱۷۳).

۸. نتیجه‌گیری

تربیت، محور اساسی ارتقای حیات انسان است و در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باید به مصالح تربیتی تأکید شود. کمک به فرایند تربیت از معیارهای مهم در تعیین اولویت‌های اجتماعی است. حق والدین بر تربیت کودک از حقوق به رسمیت شناخته شده در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران است. گستره اعمال این حق نیز مانند بسیاری از حقوق انسانی مطلق نیست و محدودیت‌های قانونی بر آن وارد می‌شود. این محدودیت‌ها از تزامم حق والدین بر تربیت کودک با بعضی از حقوق جسمانی و معنوی کودک ناشی می‌شوند.

والدین در اعمال حق خود در تربیت کودک با محدودیت‌هایی مثل محدودیت‌های جسمانی مواجه‌اند؛ مانند منع تنبیه بدنی. حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک به طور صریح از دوران بعد از تولد در حقوق ایران مطرح شده است. اولین تکلیف والدین در حقوق ایران، حضانت کودک است که در صورت زندگی مشترک برعهده هردوی آنهاست و در صورت جدایی در هفت سال اول، زندگی طفل با مادر و بعد از آن با پدر خواهد بود.

کودکان حق دارند که در طول زندگی از حضور والدین خود استفاده کنند و نمی‌توان این حق را از کودک سلب کرد مگر به حکم قانون. آموزش و پرورش کودک، تکلیف والدین برای تربیت وی در نظام حقوقی ایران است. در بحث حقوق والدین، قانون‌گذار به تنبیه کودک، اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان توجه کرده است. از منظر فقه امامیه، والدین حق تنبیه بدنی کودک را تنها با شرایط و قیود مشخص شده در روایات دارند. این قیود را که محدوده و گستره تنبیه بدنی کودک توسط والدین است، می‌توان ذیل چهار قید دسته‌بندی کرد که قید اول مربوط به نوع خطای کودک، قید دوم مرتبط با سن کودک، قید سوم مرتبط با شدت تنبیه و قید چهارم مرتبط با انگیزه تنبیه است. سازوکارهای حقوقی در نظام قضایی ایران باید برای اعمال محدودیت‌های فوق‌الذکر بر تنبیه بدنی کودکان تنظیم شوند و نقش پیشگیرانه و کنترل‌کننده مؤثری داشته باشند.

فهرست منابع

۱. اخلاقی، اسماعیل (۱۳۸۹). نقش دین در تربیت فرزندان. قم: نشریه علوم قرآن و حدیث فرهنگ کوثر.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۷۸). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
۳. بیگی، جمال (۱۳۸۴). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: نشر میزان.
۴. پوراسدی، محمد. و هاشمی، مجید (۱۳۹۱). بررسی پدیده طلاق و چگونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت. نشریه مطالعات پلیس زن، ۱۶(۱)، ۵۴-۸۱.
۵. جوادی، سید معین. و فتحی، صبور (۱۳۹۴). حضانت و حقوق دعاوی راجع به آن. تهران: انتشارات مجد.
۶. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۰۴۹). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیت ع.
۷. حسین دشتی، سید مصطفی (۱۳۹۳). معارف و معاریف. قم: انتشارات دارالفکر.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه.
۹. سیف، علی‌اکبر (۱۴۰۲). روان‌شناسی پرورشی. تهران: نشر دوران.
۱۰. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. صفایی سید حسین. و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. صفایی، سید حسین. و امامی، اسدالله (۱۳۷۸). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
۱۳. صفایی، سید حسین. و امامی، اسدالله (۱۳۸۳). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
۱۴. صمیری، مفلح‌بن حسن (۱۴۲۰). غایه المرام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالهادی.
۱۵. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. عبادی، شیرین (۱۳۲۸). حقوق کودک (نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران). تهران: انتشارات کانون.
۱۷. عطایی، زهرا (۱۳۸۴). حقوق کودک. تهران: انتشارات سامان دانش.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات شهرزاد.
۱۹. فتاحی، کامران (۱۳۹۴). حقوق اساسی. تهران: انتشارات خرسندی.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق مدنی خانواده. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۲۱. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامی.
۲۲. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۲). الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۴. محمدی نویسی، فاطمه (۱۳۹۲). تربیت کودک از نگاه نبوی. بی‌جا: بی‌نا.
۲۵. مصفا، نسرین. و دیگران (۱۳۸۳). کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۷. مکرّم، علی (۱۳۹۲). نرم‌افزار بانک اطلاعات آرا دادگاه‌ها و نظریات مشورتی. رشت: مکرّم.
۲۸. موسوی زنجانرودی، سید مجتبی (۱۳۷۸). تربیت مذهبی کودک. قم: میثم تمار.